

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم
مرکز تربیت مدرس
رساله دکتری (Ph.D)

نقش دانش رجال در علوم قرآنی

استاد راهنما

حضرت آیه الله سید ابوالفضل میر محمدی

اساتید مشاور

حضرت آیه الله محمد هادی معرفت

و

حضرت حجة الاسلام والمسلمین

محمد علی مهدوی راد

تدوین : علی اکبر کلانتری

دانشجوی مقطع دکتری

شماره دانشجوی ۱۱۲۱۷

۴۵۴۲۱

۱۳۸۲ / ۴ / ۵

وزارت اطلاعات
جمهوری اسلامی ایران



مرکز تربیت مدرس

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران

مرکز اطلاعات مدارک علمی ایران
توسعه و انتشارات

۵ - ۴۲ / ۴۱

واحد انتشارات

تقدیم به:

شہیدان گمنام انقلاب اسلامی

سپاسگزاری

از کلیه سرورانی که این جانب را در فراهم آوردن این رساله و تدوین آن یاری نموده‌اند به ویژه استاد راهنما حضرت آیه الله میر محمدی و اساتید مشاور حضرات آیات معرفت و مهدوی راد دامت توفیقاتهم و مسئول محترم مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم، حجة الاسلام و المسلمین دکتر ذبیحی زید عزه سپاسگزاری کرده مزید توفیقاتشان را از درگاه احدیت مسئلت دارم.

فهرست مباحث

صفحه	مبحث
۸	مقدمه
۱	پیشینه تحقیق
۱۰	پرسش‌های اصلی
۱۳	پرسش‌های فرعی
۱۴	فرضیات این تحقیق
۱۵	روش و متد تحقیق
۱۵	خلاصه و سرفصل‌های اصلی تحقیق
۱۷	فصل نخست: کلیات
۱۸	مقصود از علوم قرآنی در این پژوهش
۲۰	لزوم یا عدم لزوم بررسی رجالی روایات غیر فقهی
۳۰	بررسی نظریه نخست
۳۱	استدلال نخست علامه
۳۶	استدلال دوم علامه
۴۱	مختار ما
۴۳	تاییدات و قراین
۴۷	مسئله تسامح در ادله سنن و فرایض
۵۱	وحدت ملاک در به کارگیری اصطلاحات

۵۲	فصل دوم: دانش رجال و مسائل مربوط به نزول وحی
۵۳	۱- شناخت اسباب النزول
۵۶	۲- نخستین آیه‌ای که نازل شد
۵۷	۳- چگونگی نزول قرآن
۶۰	۴- داستان ورقه بن نوفل
۶۵	۵- شناخت سوره‌های مکی و مدنی
۶۷	۶- اسامی سوره‌ها
۶۸	۷- داستان غرانیق
۷۵	۸- ناسخ و منسوخ قرآن
۷۹	فصل سوم: دانش رجال و شبهه تحریف قرآن
۸۰	دیدگاه شیعه و اهل سنت در باب تحریف قرآن
۸۴	روایات تحریف
۸۶	بررسی رجالی راویان آنها
۱۱۳	سخنی با محدث نوری
۱۲۰	فصل چهارم: دانش رجال و مسائل مربوط به تلاوت قرآن
۱۲۱	قراءات قرآنی
۱۲۲	وجود هفت گانه قرائت
۱۲۵	احادیث فضائل القرآن
۱۲۸	بررسی رجالی راویان آنها
۱۳۴	فصل پنجم: دانش رجال و احادیث تفسیری
۱۳۵	الف - روایات تفسیری شیعه
۱۴۱	راویانی که صاحب کتاب تفسیر بوده‌اند
۱۴۹	تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)
۱۵۲	تفسیر عیاشی

۱۵۳	تفسیر فرات بن ابراهیم
۱۵۴	تفسیر علی بن ابراهیم قمی
۲۰۱	ب - روایات تفسیری اهل سنت
۲۰۶	آشنایی با راویان احادیث تفسیری
۲۲۳	فصل ششم: دانش رجال و اسرائیلیات
۲۲۸	اقسام اسرائیلیات
۲۳۲	نمونه‌ها
۲۵۸	نمونه‌های احتمالی
۲۶۱	کعب الاحبار
۲۶۹	وهب بن منبه
۲۷۴	عبدالله بن سلام
۲۸۲	تمیم‌داری
۲۸۵	فصل هفتم: احادیث تفسیری و پدیده وضع
۳۰۴	اصطلاح نامه
۳۱۰	فهرست آیات
۳۱۴	فهرست روایات
۳۱۷	فهرست نامهای اشخاص و کتب
۳۲۷	کتاب نامه

مقدمه

تحقیق پیرامون نقش دانش رجال در علوم قرآنی، به منظور برآوردن نیازها و اهداف

زیرانجام می‌پذیرد:

۱ - ضمن رخدادهای آغازین بعثت و چگونگی نزول پاره‌ای از آیات، به داستان‌های

بی‌اساسی مانند قصه ورقه بن نوفل و افسانه غرانیق بر می‌خوریم که می‌توان با بررسی رجال این

گونه روایات، بر بی‌پایه بودن آنها، صحه گذاشت و بدین وسیله از ساحت وحی و رسالت، دفاع

نمود.

۲ - تکیه‌گاه عمده کسانی که وقوع تحریف در قرآن را باور نموده، و بر آن پای فشرده‌اند،

روایات قابل توجهی است که در این باب، نقل شده است.

در حالی که با بررسی رجال این گونه روایات، سستی اسناد بسیاری از آنها روشن شده و بدین وسیله می‌توان آنها را کنار نهاد.

۳ - در کتاب‌های تفسیری و قصص قرآنی، مطالب فراوانی موسوم به اسرائیلیات یافت می‌شود، چیزی که از ارزش و اعتبار این کتب می‌کاهد. از جمله رسالت‌های پژوهشگران علوم قرآنی، تهذیب و پالایش احادیث تفسیری از این گونه مطالب است و پیدا است که از جمله راهکارهای این مهم، جرح و تعدیل راویان این گونه احادیث می‌باشد، کاری که دانش رجال، عهده‌دار آن است.

۴ - از جمله احادیثی که قلم‌و‌اندیشه پژوهش‌گران علوم قرآنی رادر قرون متمادی، به خود معطوف داشته است، احادیث «نزول القرآن علی سبعة احرف» است. بسیار مناسب است این احادیث - که شمار آنها نیز فراوان است - از نگاه رجالی، مورد بررسی قرار گیرند و بدین وسیله، ضعف و قوت آنها روشن شود.

۵ - در برخی کتب تفسیری مانند تفسیر منسوب به امام عسکری (ع)، گاه به مطالب سست و خردستیزی بر می‌خوریم که مع‌الاسف به معصوم هم نسبت داده شده است، بسیار مناسب است مؤلفان این گونه کتب، مورد ارزیابی رجالی قرار گیرند.

۶ - در میان روایات مربوط به قرآن، به اخباری بر می‌خوریم که موضوع آنها، فضیلت تلاوت آیات در سوره‌های مختلف قرآن است. در میان این گونه روایات - که اتفاقاً از حجم بزرگی نیز برخوردارند - به طور فراوان به اخبار ضعیف‌السند بر می‌خوریم.

جلال‌الدین سیوطی، می‌نویسد: «وضع فی فضائل القرآن احادیث كثيرة و لذلك صنفت

کتابا سمیته حمائل الزهر فی فضائل السور»^۱

«در مورد فضائل قرآن، احادیث فراوانی، وضع شده، و من به همین جهت، کتابی نگاشته آن

را «حمائل الزهر فی فضائل السور» نامیدم».

فشرده سخن این که بی تردید، روایات، نقشی مهم و تأثیر گذار در بخش‌هایی از علوم قرآنی

دارند و با بررسی رجالی این گونه روایات، می‌توان خدمت بزرگی به این بخش از علوم قرآنی کرد،

و سره و ناسره آن را از هم جدا نمود.

۷ - و سرانجام با تحقق یافتن این پژوهش و تبیین نقش بزرگ دانش رجال در بخش‌های

گوناگون علوم قرآنی، تا حدود زیادی، سستی و ناتمام بودن سخن کسانی که دانش رجال را بیهوده

دانسته و آن را بی‌فایده قلمداد کرده‌اند، روشن خواهد شد.

البته جهت روشن‌تر شدن فواید و ضرورت انجام این تحقیق، بررسی یک مسئله، از اهمیت

شایانی برخوردار است و آن «لزوم و عدم لزوم بررسی‌های رجالی در احادیث غیر فقهی» است که

به زودی به آن خواهیم پرداخت.

پیشینه تحقیق

علوم قرآنی، از دیرباز، مورد توجه و اهتمام دانشمندان تمامی مذاهب و نحله‌های اسلامی

بوده است، ولی تا جایی که این جانب می‌داند، تاکنون نه تنها کتابی پیرامون موضوع «نقش دانش

۱- الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۵۱.

رجال در علوم قرآنی» به رشته تحریر درنیامده، حتی مقاله‌ای نیز به طور مستقل به این موضوع پرداخته است. آن چه در این زمینه می‌یابیم جز بحث‌های جسته و گریخته و مصداقی نیست. از باب مثال، ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ ق) مؤلف کتاب تهذیب التهذیب و لسان المیزان، به بررسی رجالی افسانه‌گرانیک و نیز نقد سندی پاره‌ای از روایات وارده در مکی و مدنی بودن برخی از سور پرداخته است.

هم‌چنین احمد بن حسین بیهقی (م ۴۵۸)، قاضی عیاض (م ۵۴۴)، سید مرتضی (م ۴۳۶) و امام فخر رازی (م ۶۰۶) اسناد افسانه‌ مزبور را به بوته نقد سپرده‌اند.^۱

نیز ابن عساکر (م ۵۷۱) در قصه ورقه بن نوفل، مناقشه سندی کرده است.^۲ در این باب می‌توان از دانشمندان دیگری نیز یاد کرد که در برخی از آثار خود، به صورت موردی و مصداقی، نکاتی را در پیوند با موضوع مورد بحث، مطرح کرده‌اند. از جمله: شیخ طوسی (م ۴۶۰) در کتاب التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۶: ص ۱۲۳، بحثی کوتاه در پیوند با داستان یوسف (ع) و زلیخا مطرح می‌کند. نیز ابوحامد محمد غزالی (م ۵۰۵) در المستصفی من علم الاصول، ج ۱، ص ۱۴۹-۱۵۱ بحث مبسوطی دارد که می‌توان از آن استفاده نمود از دیدگاه وی، حجیت خبر واحد، اختصاص به روایات فقهی ندارد بلکه شامل روایات تفسیری نیز می‌شود.

۱ - فتح الباری بشرح البخاری، ج ۸، ص ۳۳۳، تفسیر فخر رازی ج ۲۳، ص ۵۰، التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۶۲ و ۶۳، به نقل از الشفا، تألیف قاضی عیاض ص ۱۱۷، و تنزیه الانبیاء، تألیف سید مرتضی ص ۱۰۷.
۲ - الاصابه، ج ۳، ص ۶۳۳.

اسماعیل بن کثیر (م ۷۷۴) نیز در ج ۴ تفسیر خود ص ۲۸۲، سند یکی از اسرائیلیات و در همین جلد ص ۶۵۷ - ۶۵۵ اسناد داستان غرانیق و در ج ۷ ص ۲۸۵ اسناد اسرائیلیات مربوط به ارم ذات العماد را مورد مناقشه قرار داده است.

هم چنین ز مخشری (م ۵۲۸) در تفسیر کشاف ج ۲، ص ۴۵۷ ضعف سندی روایات مربوط به داستان یوسف (ع) و زلیخا را خاطر نشان کرده است.

بدر الدین زرکشی (م ۷۷۴) نیز در البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۵۹-۱۵۶ و ۲۰۷ به تاثیر رجال‌شناسی در امر تفسیر و نیز شناخت نخستین و آخرین آیه‌ای که نازل شده اشاره میکند.

هم چنین جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱) در الاتقان فی علوم القرآن ج ۱ ص ۳۳-۳۴ بحث مبسوطی در پیوند با تاثیر رجال‌شناسی در شناخت اسباب النزول دارد.

علامه مجلسی نیز در بحار ج ۲۲، ص ۳۹۵ و ج ۵۲، ص ۲۰۱، شخصیت کعب الاحبار که از روایان مشهور اسرائیلیات است را مورد نقد قرار داده است.

در عصر حاضر نیز برخی از دانشمندان اسلامی، در این زمینه، بحث‌های پراکنده‌ای داشته‌اند. از باب نمونه، علامه طباطبایی در المیزان ج ۳، ص ۸۴-۸۵، ج ۴ ص ۱۵۳، ج ۱۲، ص ۱۱۵ ج ۱۹، ص ۸۰ به عدم لزوم بررسی‌های رجالی در روایات تفسیری اشاره کرده است. هم چنین آیه الله خویی در البیان، ص ۴۲۲-۴۲۳ بر حجیت داشتن خبر واحد در روایات تفسیری (و در نتیجه تاثیر دانش رجال در این زمینه) تاکید می‌کند. در صفحات ۳۱۷، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۸۵، ۳۶۰ این کتاب نیز اهمیت بررسی‌های رجالی در شناخت ناسخ و منسوخ قرآن و در صفحات ۲۶۴-۲۵۴، اهمیت این امر را در

روایات تحریف قرآن مورد توجه قرار می‌دهد.

نیز آیه الله معرفت در کتاب التمهید فی علوم القرآن، ص ۶۱ در اسناد روایات مربوط به

داستان غرانیق مناقشه جدی می‌کند و در ص ۵۴ و ۵۶ این کتاب به ضعف سندی روایات مربوط به

داستان ورقه بن نوفل اشاره می‌نماید.

پرسش‌های اصلی

پرسش‌های اصلی این پژوهش، عبارتند از:

۱- آیا اساساً بررسی رجالی احادیث غیر فقهی، لازم است؟

۲- به طور کلی حدود تاثیرگذاری دانش رجال در برداشت‌ها و موضع‌گیری‌های علوم

قرآنی، چقدر است؟

۳- در یک ارزیابی فراگیر، کدام بخش از علوم قرآنی، انس و پیوند بیشتری با دانش رجال

دارد و کدام بخش از آن پیوند چندانی یا هیچ‌گونه ارتباطی با این دانش ندارد؟

پرسش‌های فرعی

۱- حدود تاثیرگذاری دانش رجال در مسائل مربوط به نزول وحی، مانند قصه ورقه بن نوفل

و افسانه غرانیق، چقدر است؟

- ۲ - نقش این دانش، در شناخت اسباب النزول، چیست؟
- ۳ - دانش رجال، در شناخت قرائت‌های مورد قبول قرآنی، چه جایگاهی دارد؟
- ۴ - آیا در شناخت ناسخ و منسوخ قرآن، می‌توان از این دانش بهره گرفت؟
- ۵ - تا چه میزان می‌توان در رد شبهه تحریف قرآن، از این دانش بهره گرفت؟
- ۶ - آیا چنان که شماری از محققان علوم قرآنی، مانند جلال‌الدین سیوطی، ابراز داشته‌اند^۱ بسیاری از احادیث فضائل القرآن، مجهول و ساختگی است و نقش دانش رجال در بررسی این ادعا چیست؟
- ۷ - آیا می‌توان گفت مهم‌ترین نقش در شناخت اسرائیلیات را دانش رجال ایفا می‌کند؟

فرضیات این تحقیق

- ۱- با توجه به این واقعیت که بخش مهمی از احادیث ما را روایات غیر فقهی (از جمله اخبار مربوط به علوم قرآنی) تشکیل می‌دهد، و نیز بر این اساس که حجیت خبر واحد، اختصاص به روایات فقهی ندارد، بررسی‌های رجالی روایات غیر فقهی، امری لازم و لااقل مفید به نظر می‌رسد.
- ۲ - بررسی‌های رجالی، نقشی تعیین کننده در برخی برداشت‌ها و موضع‌گیری‌ها در عرصه‌های مختلف علوم قرآنی دارد.

۱ - الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۵۱.